

Iranian Exiles and the Question No One Wants to Answer

For forty-seven years, Iranians living outside their homeland have spent countless hours exposing the crimes, corruption, repression, executions, censorship, and human rights abuses of the Islamic Republic.

The facts are well known. The suffering of the Iranian people is well documented. Every day, new evidence is added to an already overwhelming case against the ruling regime.

Political parties, organizations, councils, congresses, advocacy groups, and countless opposition gatherings continue to discuss the latest developments in Iran. Statements are issued. Articles are written. Conferences are held. Social media is filled with commentary.

Yet one fundamental question remains unanswered:

****If the Islamic Republic falls tomorrow, what comes next?***

What is the plan?

What political framework will replace the current system?

How will a future government prevent the mistakes that led to the tragedy that followed the 1979 Revolution?

The 1979 Revolution itself was not the tragedy. Millions of Iranians participated in it with hopes for freedom, justice, constitutional government, and national dignity.

The tragedy emerged afterward, when a constitution based on the doctrine of absolute clerical rule concentrated power in the hands of a religious authority and fundamentally altered the direction of the country.

History offers important lessons.

In his final speeches, the Shah publicly acknowledged mistakes and repeatedly referred to failures in implementing constitutional government. Meanwhile, Ayatollah Khomeini's public statements before the establishment of the Islamic

Republic were often interpreted by many Iranians as being compatible with political pluralism and popular sovereignty.

Yet the system that ultimately emerged was dramatically different from what many believed they had been promised.

Since 1979, every serious attempt inside Iran to challenge the constitutional foundations of the Islamic Republic has faced repression. Outside Iran, opposition movements have often become trapped in ideological rivalries, personality conflicts, factional competition, or endless debates about the past.

Today, as Iran faces growing internal and external challenges, the same question remains:

****If neither war nor the status quo is acceptable, then what is the alternative?***

This question deserves a serious answer. Not another slogan. Not another emotional speech. Not another conference. Not another declaration.

The Iranian people deserve a clear roadmap—a practical, peaceful, lawful, and realistic vision for political transition and national reconstruction.

Criticizing the Islamic Republic is easy.

Building a viable alternative is difficult.

Yet history shows that nations are not transformed merely by opposing an existing system. They are transformed when a credible alternative is presented to the people.

Therefore, instead of spending another forty-seven years describing the problem, perhaps it is time to focus on the solution.

****If the Islamic Republic were gone tomorrow, what should replace it?***

Until that question is answered, the debate about Iran's future remains incomplete.

Cyrus Force www.CyrusForce.org

ایرانیان خارج از کشور و پرسشی که هیچ‌کس نمی‌خواهد به آن پاسخ دهد

بر اساس آیه شریفه «مباهله» و به تعبیر لسان‌الغیب حافظ:

معاشران، گره از زلف یار باز کنید

شبی خوش است، بدین قصه‌اش دراز کنید

چهل و هفت سال است که بسیاری از ایرانیان خارج از کشور، نه از فاصله ده شتر، بلکه از فاصله یک اقیانوس، شب و روز به شرح جنایات جمهوری اسلامی مشغول‌اند و این قصه را هر روز درازتر می‌کنند. از فساد و غارت گرفته تا زندان، اعدام، سرکوب، تبعیض و صدها مصیبتی که بر ملت ایران تحمیل شده است.

در این مدت، هزاران محفل، حزب، جبهه، انجمن، شورا، مهستان و سازمان سیاسی در خارج از کشور شکل گرفته‌اند. اخبار ایران را دنبال می‌کنند، بیانیه صادر می‌کنند، مقاله می‌نویسند و ساعت‌ها به تحلیل رویدادها می‌پردازند. اما پرسش این است که حاصل عملی این همه فعالیت چه بوده است؟

از آن عجیب‌تر، فرقه‌ها و جریان‌های ثروتمند و رسانه داری هستند که خود را سخنگوی اپوزیسیون معرفی می‌کنند و راحل مشکلات ایران را در جنگ، حمله نظامی و دخالت خارجی جست‌وجو می‌کنند؛ گویی ویرانی ایران مقدمه‌ای برای رسیدن آنان به قدرت است.

اما سال‌هاست که یک پرسش اساسی بی‌پاسخ مانده است:

****اگر جمهوری اسلامی سقوط کند و شما به قدرت برسید، روز بعد چه خواهید کرد؟****

برنامه شما چیست؟

نقشه راه شما چیست؟

و چگونه از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری خواهید کرد؟

برای پاسخ به این پرسش، نیازی به مطالعه هزاران سال تاریخ ایران نیست. کافی است وقایع فاصله تابستان ۱۳۵۷ تا تابستان ۱۳۵۸ را با دقت بررسی کنیم.

انقلاب ۱۳۵۷ یک انقلاب عظیم و تاریخی بود که میلیون‌ها ایرانی با امید به آزادی، عدالت، حاکمیت قانون و حفظ کرامت ملی در آن شرکت کردند. آنچه بعدها به فاجعه انجامید، خود انقلاب نبود؛ بلکه قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ بود که اصل ولایت فقیه را در مرکز ساختار قدرت قرار داد و مسیر کشور را تغییر داد.

شاهنشاه ایران در آخرین سخنرانی خود به اشتباهاتش اعتراف کرد، از ملت ایران پوزش خواست و بارها از عدم اجرای کامل قانون اساسی سخن گفت. او بعدها در مصاحبه با دیوید فراست نیز یادآور شد

که پیش از خروج خودش، حدود یکونیم میلیون ایرانی تحصیل کرده و سرمایه دار کشور را ترک کرده بودند.

از سوی دیگر، خمینی در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب، سخنانی می‌گفت که بسیاری از مردم آنها را با آزادی‌های سیاسی و حاکمیت مردم سازگار می‌دانستند. اما نظامی که بعداً مستقر شد، تفاوتی بنیادین با آن برداشت‌ها داشت. سال‌ها بعد نیز در پاسخ به انتقادات دربارۀ این تفاوت‌ها، موضوع «خدعه» را مطرح کرد؛ موضوعی که همچنان محل بحث و قضاوت تاریخی است.

از تابستان ۱۳۵۸ تاکنون، هر حرکت و جنبشی در داخل ایران که خواسته است ریشه مشکلات را در قانون اساسی جمهوری اسلامی جست و جو کند، با سرکوب روبه‌رو شده است. در خارج از کشور نیز بسیاری از حرکت‌ها یا به انحراف کشیده شده‌اند و یا گفتمان اصلی آنها در میان رقابت‌های سیاسی و شخصی خاموش شده است.

امروز که ایران با بحران‌های متعدد داخلی و خارجی روبه‌روست، بار دیگر همان پرسش اساسی مطرح می‌شود:

****اگر نه جنگ را می‌پذیرید و نه ادامه وضع موجود را، پس جایگزین چیست؟****

ملت ایران حق دارد بداند که شما برای فردای جمهوری اسلامی چه برنامه‌ای دارید. نه شعار، نه احساسات و نه آرزو؛ بلکه یک نقشه راه روشن، عملی و قابل اجرا.

اعتراض به جمهوری اسلامی کافی نیست. آینده ایران زمانی ساخته می‌شود که یک جایگزین معتبر، قانونی، مسالمت‌آمیز و قابل اجرا در برابر ملت قرار گیرد.

بنابراین، به جای آنکه تنها به شرح مشکلات بپردازیم، زمان آن رسیده است که درباره راحل سخن بگوییم.

****اگر جمهوری اسلامی فردا وجود نداشته باشد، چه چیزی باید جای آن را بگیرد؟****

تا زمانی که این پرسش پاسخ روشنی نیابد، بحث درباره آینده ایران همچنان ناتمام خواهد ماند.

سایروس فورس